

## A case study of practical and linguistic sugar in order to provide an epistemological-applicable model in today's society

Seyyed Rasool Mirasharafi Langroudi<sup>1</sup> | Mohammad Tebali<sup>2</sup>

1. The responsible author is Seyyed Rasool Mirasharafi Langroudi, Ph.D. in History of Culture and Civilization; Email: mailto:s.r.mirashrafi64@gmail.com

2. Mohammad Melabi, doctor of Sufism and Islamic mysticism; Email: m.m55702797@gmail.com

### ARTICLE INFO

#### ARTICLE INFO

#### ABSTRACT

#### Article History:

Received July 1, 2023

Revised September 8, 2023

Accepted December 14, 2023

Publication January 15, 2024

#### Keywords:

the life of innocents,

gratitude,

linguistic and practical gratitude,

practical knowledge

### ABSTRACT

Continuation of a practical method by Masoomin is referred to as Sirah. Gratitude to the Creator and also thanks to God's creatures are among the behaviors that the innocents emphasized on. The present research, with descriptive-analytical method, aims to present the way of practical and linguistic gratitude of the innocents in the form of an epistemological and practical model against the challenges of time and context in the implementation of the way of life in the society. Playing a role in controlling social foundations is one of the effects of promoting this way of life in society. Obtaining God's pleasure is the main goal in both types of thanksgiving, and in cases where thanksgiving is from tyrant rulers, it is justified to preserve the main interests of religion.

## نگاه موردی شکر عملی و زبانی به منظور ارائه الگوی معرفتی کاربردی در جامعه کنونی

سید رسول میراشرفی لنگرودی | محمد مطلبی<sup>۱</sup>

۱. نویسنده مسئول سید رسول میراشرفی لنگرودی، دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن

mailto:s.r.mirashrafi64@gmail.com

۲. محمد مطلبی، دکتر تصوف و عرفان اسلامی:

m.m557.2797@gmail.com

### چکیده

### اطلاعات مقاله

استمرار یک روش عملی توسط معصومین، به عنوان سیره یاد می‌شود. شکرگزاری از خالق و همچنین تشکر از مخلوقات خداوند از رفتارهایی است که معصومین بر آن تاکید داشته‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی بر آن است سیره معصومین در نحوه شکرگزاری عملی و زبانی را در قالب الگویی معرفتی و کاربردی در برابر چالش‌های زمانی و زمینه‌ای موجود در اجرای سیره در جامعه ارائه نماید. نقش آفرینی در تحکم بخشی به بنیان‌های اجتماعی از آثار ترویج این سیره در جامعه به شمار می‌رود. جلب رضای الهی در هر دوگونه شکر هدف اصلی است و در مواردی که شکر از حکمرانان ظالم باشد برای حفظ مصالح اصلی دین، توجیه پذیر است. آثار ترک شکر گذاری نیز سنت استدرج و امهال را به همراه دارد.

### نوع مقاله:

پژوهشی

### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

### کلیدواژه:

سیره معصومین،  
شکرگزاری،  
شکر زبانی و عملی،  
معرفتی کاربردی.

استناد: میر اشرفی لنگرودی، سید رسول؛ مطلبی، محمد (۱۴۰۲). شکرگزاری در سیره معصومین علیهم‌السلام (نگاه موردی شکر عملی و زبانی به منظور

ارائه الگوی معرفتی کاربردی در جامعه کنونی). کاوشی در معرفت اجتماعی، دوره ۱، شماره دوم، صفحات ۱۰۸-۱۳۷.

شکرگزاری در مقابل نعمت‌های خداوند متعال عملی پسندیده است که در متون اسلامی همواره بر آن تاکید گردیده است. بر هر انسان موحدی واجب است که در مقابل وفور نعمات سپاس به جای آورد تا از یک سو موجب خشنودی خداوند شده و از سوی دیگر به مصداق شکر نعمت، نعمت افزون کند (سوره ابراهیم: آیه ۷). فزونی نعمت را برای بندگان میسر سازد. معصومین نیز در طول حیات طیبه‌ی خویش به طرق مختلف فعل، قول و تقریر تاکید بر شکرگزاری و اظهار آن در مقابل خالق داشته‌اند. از طرفی سپاسگزاری از مخلوقات خداوند که واسطه‌ی خیر خدا به بنده بوده‌اند نیز امری پسندیده و مؤکد از سوی معصومین است؛ چرا که تشکر از مخلوقین، موجب خشنودی می‌گردد. روایاتی از معصومین به ما رسیده که بیانگر این امر مهم هستند، اما برخی آنها دچار چالش‌هایی هستند که باعث تقابل با آیات قرآن کریم و یا گفتار و اعمال دیگر معصومین می‌شود. این چالش‌ها انواع مختلفی دارد که در پژوهش حاضر این روایات چالش برانگیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته تا الگویی در یک چهارچوب مشخص ارائه گردد. بررسی سبک زندگی افراد خاص برای ارائه یک مدل الگویی را سیره پژوهی تعریف کرده‌اند. در سیره پژوهی محقق به صورت آرمان گرایانه و شعارگونه عمل نمی‌کند، بلکه هدف اصلی وی پیاده کردن الگویی نظام مند و قابل اجرا از معصومین در حیات فردی یا اجتماعی جامعه‌ی عصر حاضر است. سوال اصلی در این پژوهش بر اساس این تعریف آن است که الگوی مدون و کاربردی برای شکرگزاری زبانی و عملی در سیره معصومین در جامعه‌ی کنونی چیست؟

جامعه کنونی ما به عنوان یک جامعه‌ی شیعی، اجتماع‌عیست که باید همه‌ی افراد در آن به تاسی از معصومین، شکرگزاری را در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی به کار ببندند؛ اما متأسفانه شکرگزاری در جامعه کم‌رنگ شده و افراد گلایه و شکوایه را جایگزین آن نموده‌اند؛ چنانچه شکرگزاری در تمامی سطوح جامعه به اجرا درآید، توحید و وحدت اسلامی در میان امت برقرار خواهد شد؛ از طرفی، امروزه بیشتر افراد به دنبال آگاهی یافتن از سیره زندگی معصومین هستند و هدف آنها از مطالعه‌ی سیره، تنها علم پیدا کردن به سیره آن بزرگواران است، در صورتی که نگارنده با انجام این پژوهش در نظر دارد علم به

سیره معصومین را با عمل به سیره عجین سازد. اهمیت و ضرورت بحث در خصوص شکرگزاری در سیره معصومین این است که با پژوهش در این خصوص به یک الگوی یکپارچه‌ی اخذ شده از سیره معصومین برای شکرگزاری برسیم.

برای رسیدن به درک درستی از سیره معصومین، لازم است به مبانی و اصولی توجه بشود که غفلت از هر کدام از آنها، موجب کاهش دقت ما و تردید در نسبت دادن آن سبک زندگی به اهل بیت خواهد شد. بعضی از این مبانی عبارت است از:

۱- توجه به الهی بودن منصب آنان؛

۲- معصوم دانستن آنان؛

۳- لزوم اطاعت از آنان؛

۴- الهی دانستن علم آنان؛

۵- همراهی و تطابق سیره آنان با قرآن؛

۶- همراهی سیره آنان با حکم عقل؛

۷- همراهی سیره آنان با حکمت و مصلحت؛

۸- همراهی سیره آنان با عرف مشروع و معقول و ... اما گاهی در هنگام مطالعه‌ی روایات،

موانع یا چالش‌هایی بر سر راه پژوهشگر سیره قرار می‌گیرد که موجب می‌شود یک روایت یا مجموعه‌ای از روایات هم تراز، از دایره‌ی سیره بودن خارج گردند و نتوان عنوان سیره بر آنها قرار داد. این چالش‌ها یا موانع عبارتند از:

۱- تفاوت شرایط محیطی و اجتماعی و مقتضیات زمانی و مکانی،

۲- تعدد الگوهای رفتاری در عین تساوی ارزشی،

۳- تفاوت مقام و منزلت،

۴- تفاوت طاقت و توان،

۵- تفاوت روحیات،

۶- تفاوت علاقه‌ها و سلیقه‌ها،

۷- تفاوت ویژگی‌های جسمی،

۸- تفاوت سنی،

۹- تفاوت شرایط محیطی و اجتماعی و مقتضیات زمانی و مکانی،

۱۰- تعدد الگوهای رفتاری در عین تساوی ارزشی،

۱۱- تفاوت مقام و منزلت،

۱۲- تفاوت طاقت و توان،

۱۳- تفاوت روحيات،

۱۴- تفاوت علاقه ها و سلیقه ها،

۱۵- تفاوت ویژگی های جسمی،

۱۶- تفاوت سن در پژوهش حاضر هنگام مطالعه‌ی روایات مزبور به شکرگزاری و اخذ اصول و قواعد شکرگزاری، برخی از این موانع و چالش‌ها در مقابل روایات قرار گرفت که نگارنده به بررسی و تحلیل آنها پرداخت.

## پیشینه تحقیق

در موضوع شکرگزاری کتابی تحت عنوان برکت زندگی، شکرگزاری در سیره پیامبر ﷺ توسط حبیب‌الله فرحزاد نگارش یافته که نویسنده در کتاب حاضر، به بررسی شکرگزاری در سیره نبی اکرم ﷺ پرداخته است. در این اثر، اساس شکر، درک نعمت، نعمت نبوت و ولایت، راه‌های شکرگزاری و ... مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با این کتاب در این موضوع است که نگارنده‌ی کتاب بحث‌های چالشی در مورد سیره را مطرح ننموده و روایت‌های متناقض و چالش برانگیز شکرگزاری در این اثر دیده نمی‌شود. «شکرگزاری و پیامد آن در زندگی از منظر امیرالمومنین علیه السلام»، عنوان مقاله ای است که توسط فاطمه پروین پور و علی تولایی نگارش یافته و نویسندگان در این مقاله به بررسی شکرگزاری و پیامدهای آن در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته‌اند. در باب اجتماعی، شکرگزاری را در قالب زندگی زناشویی مطرح کرده و آثاری که سپاسگزاری از همسر دارد را مورد بررسی قرار داده‌اند. تفاوت میان این مقاله و پژوهشی که نگارنده اکنون بدان پرداخته است، در این است که در این پژوهش، شکرگزاری در سیره همه معصومین بررسی شده و همچنین هدف اصلی ارائه الگوی نظام مند برای شکرگزاری زبانی و عملی در جامعه کنونی می‌باشد..

## سیره

سیره، استمرار روش عملی در میان مردم بر انجام یا ترک کاری است. (قلی زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۰) واژه‌ی سیره اسم مصدر از ریشه "س ی ر" و جمع آن سِیر و سِیرات است که به معانی مختلفی به کار رفته می‌رود. یکی از این معانی، طریقه و روش است. سیره بر وزن فَعْلَة است و فَعْلَة در زبان عربی بر نوع دلالت دارد؛ پس در نتیجه سیره نیز بر نوع یا چگونگی رفتار و روش دلالت می‌کند. در تعریفی دیگر نیز می‌توان گفت که سیره پرداختن به نوع و شیوه زندگی الگومند و نظام مند افراد است. بررسی سبک زندگی افراد خاص برای ارائه یک مدل الگویی، هدف اصلی در سیره پژوهی است که در نتیجه‌ی این پژوهش الگویی قاعده‌مند برای انجام یا ترک یک فعل در اختیار مخاطب قرار داده می‌گردد. «سیره» از قرن اول و دوم هجری بین مسلمین رایج گردید. سیره‌شناسی به معنای سبک‌شناسی در وجه رفتاری است و آن در واقع روش خاص عمل و موضع‌گیری و حرکت در امور مختلف است. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

به منظور اینکه مشخص شود آیا هر روایتی که در باب قول، فعل یا تقریر معصوم به دست می‌رسد، سیره محسوب می‌گردد یا خیر، ضرورت دارد به نکات مهمی توجه شود. هنگام بررسی و نقد دقیق روایات، گاه مشاهده می‌شود که در برخی از روایات منتسب به یک معصوم یا چند تن از آن بزرگواران، چالش‌هایی وجود که سیره بودن آن روایت یا روایات را دچار خلل می‌سازد. این چالش‌ها را می‌توان به سه دسته‌ی چالش برشی - بخشی از زندگی یک معصوم -، چالش کلان - تمام طول حیات یک معصوم - و چالش کلی - زندگانی همه‌ی معصومین -، تقسیم بندی کرد که نگارنده با استناد بر این علل و عوامل چالش ساز روایات، سعی بر آن داشته که سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام در شکرگزاری را مورد بررسی داده و سیره را استخراج نماید. سیره در پژوهش حاضر الگویی در یک چهارچوب نظام مند است که بتوان به کمک آن شکرگزاری را به جای آورد.

## شکر

در زبان عربی، لغت‌هایی وجود دارند که گاهی به عنوان جانشین برای شکر به کار می‌روند؛ این لغت‌ها عبارتند از مدح که معادل ثناء و ستایش است و دیگری حمد که سپاس

و ستایش ترجمه می‌شود؛ معمولاً برای ترجمه‌ی شکر از این واژه‌ها به عنوان معادل استفاده می‌شود که البته تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. برای پی بردن بیشتر به اشتراکات و تفاوت‌های میان واژه‌های شکر، حمد و مدح، ابتدا لازم است که این واژه‌ها معنا شناسی شوند.

شکر، به معنای اظهار تقدیر و تجلیل در قبال نعمت ظاهری یا معنوی که از منعم به شاکر می‌رسد و در مقابل آن کفران است که به معنای پوشاندن نعمت و تقدیر نکردن در مقابل انعام منعم است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۲۰) با توجه به این معنا می‌توان گفت: شکر که در مقابل کفران است به معنای سپاس در برابر کاری است که اثر آن به غیر برسد و دریافت کننده اثر نیز همان شخص شاکر باشد، بنابراین در شکر هم وصول اثر به غیر نقش دارد و هم اتحاد متنعم و شاکر در صورتی که هیچ یک از این دو قید در حمد مطرح نیست و از این رو شکر از دو جهت اخص از حمد است و هر شکری حمد است ولی چنین نیست که هر حمدی شکر باشد. (جوادی آملی: ۳۲۶) در پژوهش حاضر مقصود نگارنده از واژه‌ی «شکر»، قدردانی از منعم است؛ منعم می‌تواند خداوند متعال باشد یا بنده‌ای که واسطه‌ی خیر الهی است و به بندگان دیگر نعمتی را عطا می‌کند.

مدح ثناء کردن بر کار جمیل، یکسان است که این کار جمیل اختیاری باشد یا غیر اختیاری. پس مدح اعم از حمد است. (جوادی آملی: ۳۲۷) حمد تنها در برابر صاحب کمالی به کار می‌رود که دارای عقل و اندیشه باشد ولی مدح را که مقابل آن ذم است، درباره غیر عاقل نیز استعمال می‌شود.

پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که قدردانی با پیامدهای مثبت روان‌شناختی همراه است. قدردانی با معنویت، بهزیستی روان‌شناختی، شادی، رضایت از زندگی، رضایت زناشویی، تعهد به همسر و کیفیت خواب بهتر همبسته بوده و می‌توان از قدردانی در درمان‌شناختی استفاده کرد. (آقا بابایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵) از نظر شلدون و لیوبومرسکی، قدردانی را می‌توان یکی از شیوه‌های شادتر شدن دانست. (K. M. Sheldon: ۷۳-۸۲) افراد شکرگزار، سطح پایین‌تری از اضطراب و افسردگی را گزارش می‌کنند. رابطه منفی قدردانی از خدا با متغیرهای منفی روانی، روی دیگری از رابطه مثبت با متغیرهای مثبت روانی است. (آقا بابایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

## سطوح شکرگزاری خداوند

با تحقیق در خصوص نحوه ی شکرگزاری سه مرحله برای آن قابل تعریف می‌شود:

### الف- شکر زبانی:

اولین و پایین‌ترین درجه از شکرگزاری، به صورت لسانی انجام می‌پذیرد. در این مرحله انسان با مشاهده ی نعمت با زبان خویش به سپاسگزاری از مُنعم می‌پردازد. امام صادق می‌فرماید: **تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** تمام شکر گفتن همین جمله است: الحمد رب العالمین. (کلینی، ۱۳۷۹: ۲: ۹۵)

حضرت صادق <sup>علیه السلام</sup> در روایتی فرمود: «قاطر پدرم گم شد گفت اگر خداوند قاطرم را بمن برساند آنچنان ستایش کنم او را که بپسندد طولی نکشید که قاطر را با زین و برگ آوردند همین که سوار شد و لباس خود را جمع کرد سر بسوی آسمان بلند کرده گفت (الحمد لله) چیز دیگری اضافه نکرد سپس فرمود چیزی فرو گذار نکردم و نه چیزی باقی ماند تمام ستایشها را اختصاص بخدای بزرگ دادم هر نوع ستایشی داخل در همین ستایش است که کردم». (مجلسی، بیتا: ۲۹۰)

رسول خدا <sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> - هنگامی که علی آمدند- فرمود: «درود بر آقای مسلمانان و امام پرهیزگاران». به علی عرض شد شکرگزاری شما - بر این نعمت- چگونه است؟ فرمود «حمد میکنم خدا را بر آنچه بمن داده است و مسئلت می‌خواهم از او تا مرا توفیق دهد که شکر کنم او را بر آنچه بمن عطا کرده است و زیاد کند بر آنچه بمن انعام کرده است.» (مجلسی، بیتا: ۴۷۱)

در شکرگزاری زبانی، همان گونه که نامش پیدا است، فقط زبان مشغول قدردانی است. در این سطح فرد هنوز به حقیقت و اصل شکرگزاری دست نیافته و صرفاً با زبان خویش به تشکر و سپاسگزاری می‌پردازد.

### ب- شکر قلبی:

در این سطح، شکرگزاری انسان از درجه ی زبانی فراتر رفته و وی با قلب خود به حقیقت نعمت می‌برد و از ته دل شاکر آن نعمت است.

امام صادق در باره‌ی نحوه‌ی شکر قلبی می‌فرماید: «هر که را که خداوند به او نعمتی دهد و او در دلش به نعمت آگاهی یابد و بداند که بخشنده نعمت بر او، خداست شکر نعمت گزارده و اگر چه به زبان نیاورد؛» (حرانی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۳۶۹) سپس امام صادق این آیه را قرائت فرمود: «و اگر آنچه در دل های خود دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست.» (سوره بقره: آیه ۲۸۴) بر اساس کلام امام صادق، در این مرحله از شکرگزاری حتی ممکن است فرد چیزی به زبان نیاورد اما از اعماق وجودش شاکر و قدردان نعمات است.

امام صادق در روایتی دیگر فرموده‌اند: «هرگاه خداوند نعمتی به بندهاش دهد و آن شخص قدر آن نعمت را از صمیم دل بداند و با زبان هم شکر آن را بجای آورد، خداوند متعال پس از تشکر او دستور می‌دهد که بر نعمت او بیفزایند.» (کلینی: ج ۲، ص ۹۵) از این روایات چنین برمی‌آید که شکرگزاری قلبی، درجه‌ای بالاتر از شکر زبانی است که کشف و شهود قلبی در آن رخ داده و فرد شاکر با اعتقاد و ادراک به شکرگزاری می‌پردازد.

### ج- شکر عملی:

عالی‌ترین سطح و درجه در شکرگزاری، شکر عملی است؛ هنگامی که انسان با زبان و قلب خود شکر نعمت را به جای آورد، در مرحله‌ی سوم باید شکرگزاری از نعمت در عملش تجلی یابد. شاکر حقیقی، شاکری است که تمام اعضا و جوارح خود را برای سپاسگزاری از نعمت به کار ببندد و تمام سعیش بر این باشد که به شکرانه‌ی برخوردار از نعمت، آن نعمت را تنها در راه رضای پروردگارش به کار ببندد و آن را در مسیر درست استفاده کرده و اسراف ننماید. امام صادق در حدیثی می‌فرماید: «همجواری نیکو با نعمت‌ها داشته باشید. راوی پرسید: مقصودتان چیست؟ حضرت فرمود: شکرگزار نعمت‌دهنده باشید و حقوق نعمت‌ها را به جای آورید» (کلینی: ج ۴، ص ۳۸).

شکرگزاری عملی روش‌ها و انواع مختلفی دارد که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

الف) به جا آوردن سجده شکر،

ب) بخشش و احسان،

ج) عبادت فراوان،

د) دوری از محرمات،

ه) انجام تکلیف،

و) عفو و گذشت در مقابل پیروزی بر دشمن،

ز) شکرگزاری هنگام مشاهده‌ی محدودیت دیگران.

درجات و مراتب تعریف شده برای شکرگزاری، هر یک پیش زمینه‌ای برای مرتبه‌ی بعدیست؛ به عبارت دیگر در صورتیکه اولین سطح از شکرگزاری یعنی شکرگزاری زبانی انجام نپذیرد، شکرقلبی نیز محقق نخواهد شد. بنده با ایمان قلبی و ادراکی که پیدا می‌کند، درجه به درجه بالاتر رفته و شکرگزاری وی نیز متعالی تر می‌گردد.

شکرگزاری، مفهومی است که با ایمان و توکل رابطه دارد. امام رضا برای ایمان درجاتی

سه گانه قائل شده اند که عبارت است از:

۱- شناخت قلبی،

۲- اعتراف زبانی،

۳- عمل با اعضاء وجوارح.

با دقت در این درجات و مقایسه‌ی آنها با سطوح شکرگزاری چنین به دست می‌آید که در هر دو مفهوم، میان سطوح مختلف رابطه مستقیم وجود دارد. به طور مثال اعتراف زبانی ایمان درجه ای است که اگر فرد در آن قرار گرفته باشد، شکرگزاری اش نیز زبانی خواهد بود؛ توکل نیز مانند ایمان سه مرتبه لفظی، قلبی و عملی دارد. در توکل لفظی، بنده فقط عبارت توکل بر خدا را بر زبان جاری می‌کند، بدون آنکه زبانش با دلش همراه باشد؛ در این صورت، توکل بر خدا تأثیری در روح و زندگی انسان نخواهد داشت.

در توکل قلبی نیز آدمی با قلب و قوه‌ی ادراک خود به حقیقت توکل واقف و متوکل به خداومن می‌گردد. توکل عملی نیز زمانی به وجود می‌آید که برای تبیین بهتر این موضوع، بررسی و تحلیل‌های بیشتری لازم است که از حوصله‌ی این بحث خارج است و می‌تواند به پژوهشی جداگانه اختصاص یابد.

بنده‌ای که به معرفت دست یافته و حقیقت شکرگزاری از خدا را با دل و جان درک کرده باشد، لازم است تمام همت خود را برای شکرگزاری از خالق از هر یک از راه‌های فوق

یا همه‌ی آنها به کاربندد. با توجه به مطالبی که عنوان شد و عدم توان و درک ما در فهم شکرگزاری قلبی دیگران، در پژوهش حاضر فقط شکرگزاری زبانی و عملی که ملموس‌تر و قابل درک بیشتری است، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

## ● اصل شکرگزاری

خداوند متعال، نعمات زیادی را بر بندگانش ارزانی داشته که وظیفه بنده در قبال این نعمتها شکرگزاری است. حال سوال مطرح می‌شود که چگونه انسان می‌تواند در هر حال شاکر و سپاسگزار پروردگارش باشد و حق شکرگزاری را به نحو احسن به جا بیاورد؟ اصل شکرگزاری در چیست و روش به جا آوردن آن چیست؟ اصل شکر، شکر نیست که در عمل انسان نمود پیدا کند؛ شکر نیست که در آن بنده، نعمت را در جهت رضایت نعمت دهنده استفاده کند و به درک حقیقت نعمت برسد.

در روایتی از امام صادق، شکرگزاری چنین تعریف شده است: «خداى عزوجل به حضرت موسى وحى فرمود: اى موسى! حق شکر مرا ادا کن. حضرت موسى عرضه داشت: اى پروردگار من! چگونه حق شکر تو را ادا کنم، در حالی که هیچ شکرى نیست که با آن، شکر تو را به جا آورم، مگر این که در همین شکرگزاری هم نعمت تو شامل حال من شده است (که توانسته ام شکر کنم)». (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۹۸)

از این روایت چنین برمی‌آید که اصل شکرگزاری از منظر حضرت موسى، شکرى است که به واسطه‌ی نعمت شکرگزاری باید به جای آورد؛ یعنی وقتی بنده‌ای شکرى را به جای آورد، باید برای اینکه خدا به او قدرت و توانایی شکرگزاری را عطا کرده تا بتواند از خدا قدردانی نماید نیز، شکرگزاری کند.

امیر المومنین علی می‌فرمایند: «اولین وظیفه‌ی واجب بر انسان، شکر نعمت‌های خداوند و تحصیل رضای اوست». (خوانساری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۴۶۸) در نظر مولا علی، اصل شکرگزاری، تحصیل رضای خداوند است. اصل شکرگزاری به رابطه‌ی انسان با خداوند متعال باز می‌گردد؛ چرا که انسان مؤمن باید به این مفهوم دست یابد که منعم اصلی و سرمنشأ تمام نعمت‌ها خداست، و او عبد است، پس باید شکر پروردگار را به جای آورد. اگر انسان به این مفهوم رسید، آنگاه است که می‌تواند در برابر نیکی مخلوق نیز شاکر و

سیاسگزار باشد.

امام صادق علیه السلام: شکر نعمت یعنی دوری کردن از حرامها، و شکر کامل این است که انسان بگوید: سپاس خدایی را که پروردگار جهان هاست. (کلینی، ج ۲: ص ۹۸) با توجه به این تعریف از امام صادق، چنین به نظر می‌رسد که یکی دیگر از اصول شکرگزاری عدم ارتکاب فعل حرام است. بنده‌ای که ود را از حرام‌ها باز دارد، شکر خداوند را به جا آورده است.

حضرت موسی می‌فرماید: رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ؛ پروردگارا، به پاس نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود. (سوره قصص: آیه ۱۷)

اصل شکر در اینجا مفهومی متعالی و توحیدی پیدا میکند چرا که بنده ابتدا باید به یگانگی و وحدانیت خدا پی ببرد، معترف آن باشد، تلاش کند از گناهان دوری کند و سپس شکر خداوند متعال را به جای آورد؛ همچنان که در سوره‌ی حمد می‌خوانیم: «الحمد لله رب العالمین». (سوره‌ی حمد: آیه ۱)

از امام صادق نقل شده است: «الحمد الذي لم يجعل مصيبي في ديني و الحمد الذي لو شاء جعل مصيبي أعظم مما كانت و الحمد على الأمر الذي شاء أن يكون فكان». (مجلسی، ۱۴۲۳: ۵۷۳) ستایش مخصوص خداوندی است که مصیبتم را در امر دینم قرار نداده است و ستایش مخصوص خداوندی است که اگر می‌خواست، مصیبت و گرفتاری ام را بزرگ‌تر از این قرار می‌داد و ستایش مخصوص خداوندی است که آنچه را خواست و اراده کرده انجام شد.

همچنین امام صادق از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌کند که فرمود: «آنکه غذا می‌خورد و شاکر است، همان اجر کسی را دارد که روزه (مستحبی) گرفته و بر گرسنگی صبر می‌کند و آنکه در رفاه است و بهر عافیت خود شاکر است همان اجر کسی را دارد که گرفتاری پیدا کرده است اما صبر می‌کند و آنکه اهل بخشش است و (بخاطر این توفیق الهی) شاکر است، همان اجر کسی را دارد که محروم است و قناعت می‌ورزد». (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۹۵) از آنجایی که خداوند سبحان می‌فرماید: «إن مع العسر يسراً»، که در کنار هر سختی، آسانی است، بنده باید به این حقیقت برسد که هر گاه مصیبتی بر او وارد شود، همراه با

آن آسانی و فرجی برای او ایجاد خواهد شد که باید بر آن شاکر باشد. در سجده‌ی زیارت عاشورا نیز چنین دعا می‌کنیم: «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك علی مصابهم» این شکر بخاطر فهمیدن و درکی است که انسان به حقیقت قیام امام حسین و مصیبت‌هایی که بر اثر این قیام بر آنها وارد شده، دست می‌یابد. حمد در مصیبت امام حسین و یارانش به نوعی شکر انسان بخاطر دستیابی به معرفت به جا آورده می‌شود. امام حسن مجتبی: «الخير الذي لا شرَّ فيه، الشكرُ مع النعمة و الصبرُ علی النازله». (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۳۴) خیری که هیچ شری در آن نیست، شکر همراه با نعمت و صبر بر مصیبت است.

بر اساس روایاتی که نقل شد، چنین برمی‌آید که انسان مؤمن و شاکر باید در هر حال شکر خدای را به جا آورد. خواه در فرح و سرور باشد خواه در ایام مصیبت. شکر در هنگام حادث شدن مصیبت، از جهتی نمایانگر اوج بندگی انسان در مقابل خالق هستی است و از سوی دیگر بنده به این واسطه از خدای متعال تشکر می‌نماید که مصیبتی بالاتر از آن را بر وی فرو نفرستاده است.

همچنین با توجه به روایاتی که مطرح شد، می‌توان برای شکرگزاری اصول زیر را استخراج نمود:

هدف شاکر در شکرگزاری، کسب رضای خداوند است، شکر بر نعمت شکرگزاری بر بنده واجب است، شکر در هنگام بروز مصیبت بر بنده واجب است. انسان شاکر باید از حرام‌ها دوری کند. بنده در هنگام شکرگزاری، حقیقت رابطه‌اش با خالق را درک نماید.

### ◀ نقش قدردانی و شکرگزاری در معرفت اجتماعی جامعه

در برخورد‌های اجتماعی، یکی از عوامل محبت آفرین و تحکیم روابط، داشتن حالت و روحیه «سپاسگزاری» و «قدردانی» و «حق‌شناسی» نسبت به مردم است.

همواره سپاس و تشکر، در مقابل «نعمت» است. نعمت و احسان هم یا مستقیماً از سوی خدا به ما می‌رسد، یا بندگان خدا واسطه‌خیزند و نیکی بر دست آنها جاری می‌شود و ما از نیکوکاری‌ها و یاری‌ها و مساعدت‌های مردم بهره‌مند می‌شویم و «نعمت الهی» از این طریق شامل ما می‌گردد.

نباید چنین تصور شود که «شکر خدا» با «سپاس از مردم» منافات دارد، بلکه گاهی شکر الهی در سایه‌ی تقدیر و تشکر و حق شناسی از مردم تحقق می‌پذیرد و خداوند به این گونه سپاسگزاری‌ها راضی است، بلکه به آن دستور می‌دهد. به عبارت دیگر تشکر از مخلوق در طول تشکر از خداوند است.

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «حق آن که خدا بدست او تو را خشنود کرده (و سبب خرسندیت شده) این است که اگر منظورش خشنودی تو بوده نخست خدا را شکر گوئی، سپس در جای پاداش، به قدر این محبت از او تشکر کنی، و در فکر تلافی باشی و مزیت پیشقدم شدنش را نیز جبران کنی (که اگر تلافی سرسپر باشد امتیاز تقدم او فراموش شده) و اگر چنین منظوری نداشته، باز خدا را سپاسگزاری و از او تشکر کنی و بدانی که این شادی از جانب اوست، و چون واسطه نعمت خدا بوده دوستش داری و خیرش را بخواهی، چه اسباب نعمت هر چه باشد برکت است، گرچه او قصدی نداشته، و لا قوة الا بالله».

(حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲۷)

قدردانی به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن شخص از فردی یا افرادی که او را مورد لطف قرار داده اند به صورت کلامی، غیرکلامی و یا هر دو روش سپاسگزاری نماید. در تمام طول تاریخ و در همه‌ی فرهنگ‌ها، قدردانی به عنوان یک فضیلت مهم و مدنی شناخته شده است. (لوپز و اسنایدر، ۲۰۰۷: ۳۲۹) در واقع نویسندگان مذهبی و اخلاقی جهان بر این موضوع اجماع دارند که افراد در مقابل منفعتی که از دیگران دریافت کرده‌اند، وظیفه دارند از طرف مقابل قدردانی و سپاسگزاری نمایند. (سالاروند، ۱۳۹۴: ۷۱-۸۴)

سپاسگزاری و قدردانی از خدمات و نیکی‌های دیگران، در سیره معصومین علیهم‌السلام به طور فراوان قابل مشاهده است. که گاه کمترین خدمت را با بزرگترین نعمت پاسخ می‌گفتند.

امام سجاد در رساله حقوق می‌فرماید: «به درستی که خدا دوست می‌دارد هر دلی را که اندوهناک باشد و هر بنده‌ی شاکری را دوست می‌دارد. خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت به بنده‌ای از بندگان خود می‌فرماید که: آیا فلانی را شکر کردی؟ عرض می‌کند که: ای پروردگار من! بلکه تو را شکر کردم. حق تعالی می‌فرماید: مرا شکر نکردی، به جهت اینکه او را شکر نکردی». بعد از آن حضرت فرمود: «شکر کننده‌ترین شما از برای خدا، شکر کننده ترین شماست از برای مردمان». (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ص ۹۵) شکرگزاری از مخلوقات

خداوند، آنچنان اهمیتی دارد که امام سجاد، آن را در ردیف شکرگزاری از خداوند مطرح نموده اند.

عدم شکرگزاری از مخلوقات خداوند نیز از اهمیت بالایی برخوردار است آنچنان که ناسپاسی از مردم در کلام امام رضا، ناسپاسی از خداوند سبحان عنوان شده است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَنِعَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ هر کس مخلوق‌های نعمت دهنده را سپاس نگوید، خدا را سپاس نگفته است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۲۴)

پیامبر ﷺ: آن را که به شما احسان کند پاداش دهید و اگر نتوانید، سپاس گوئید که تشکر و سپاس خود پاداشی است. حق آن که چیزی از او خواهی این است که اگر داد پذیری و تشکر و حق شناسی کنی، و اگر نداد عذری برایش بجوئی، خوش گمان باشی، بدانی که مال خود را دریغ کرده (نه مال تو را) و نباید کسی را برای منع مالش سرزنش کرد گرچه ستم‌کار باشد که «انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲۷)

پیامبر اکرم ﷺ برای شکرگزاری از دیگران، راه‌هایی را تعیین نموده‌اند که هر فردی با توجه به استطاعتی که دارد سپاسگزاری از مخلوق را به جا آورد.

## چالش‌های موجود در روایات شکرگزاری

اثمه بر شکرگزاری از خداوند در هر حالتی تاکید داشته و خود از عمل‌کنندگان بدان بودند. این شکرگزاری تا به حدی بود که گاه جسم مبارکشان از شدت شکر و عبادت خداوند صدمه می‌دید. برای بررسی میزان یا حد و حصر شکرگزاری از خدا توسط بنده، این چالش مطرح می‌گردد.

امیرمومنان درباره رسول خدا می‌فرمایند: «رسول خدا ﷺ ده سال برای عبادت آنقدر روی قدم‌های خود ایستاد که قدم‌هایش ورم کرد و صورتش زرد شد.» (مجلسی، بی تا: ج ۱۶: ۲۶۴) رسول خدا ﷺ، بنده‌ی برگزیده و خاص خداوند، برای قدردانی و شکرگزاری از خالق خود آنچنان به خود سختی می‌دهد که بیماری بر او چیره می‌گردد. مسأله‌ای در اینجا مطرح می‌گردد که آیا برای شکرگزاری از خداوند حد و مرزی وجود دارد یا خیر؟ و اگر حد و مرزی هست، آیا برای همگان یکسان است؟

از امام صادق روایت شده است: «رسول خدا ﷺ در شیئی که نزد عایشه بود، در

پیشگاه الهی سر تواضع فرو آورده و به عبادت و دعا مشغول شد، عایشه که این حالت را از پیامبر خدا دید به او گفت: یا رسول الله چرا خود را به زحمت می اندازی با اینکه خداوند تو را آمرزیده است نسبت به گذشته و آنچه آینده خواهی داشت. آن حضرت فرمود: ای عایشه! نباید بنده ی شاکری باشم؟». (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ص ۹۵) سوال اینجاست که ایشان با وجود عصمتی که داشتند چرا اینقدر برای شکرگزاری و عبادت خدا اصرار می ورزیدند و بدون هیچ حد و مرزی به شکرگزاری و عبادت خداوند مشغول می شدند؟

امام صادق، در روایتی دیگر از رسول خدا ﷺ چنین نقل می کنند که مبین این است که رسول ﷺ در شکرگزاری از خداوند مداومت داشتند و در انجام این عمل متحمل رنج و سختی بسیاری نیز می شدند: «رسول خدا ﷺ در سفری بر پشت شتری سوار بود که ناگهان پیاده شد و پنج بار سجده کرد، سپس سوار شد. همراهان از علت این کار پرسیدند. فرمود: جبرئیل نزد من آمد و از طرف خداوند به من مژده داد و من به خاطر هر یک سجده ای به جا آوردم. و در ادامه فرمود: هر گاه یکی از شماها نعمت خدا را به یاد آورید، باید گونه بر خاک نهاده و به شکرانه ی آن سجده کنید. اگر سواره باشد پیاده گردد و گونه بر خاک گذارد و اگر از بیم شهرت نتوانست پیاده گردد، همان جا سجده کند و خدا را به آنچه بر او نعمت بخشیده، سپاس گوید». (مجلسی، بی تا: ج ۱۶: ص ۲۶۴ و کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۹۵)

هشام بن احمد می گوید: «با امام موسی بن جعفر در یکی از نواحی مدینه می رفتم که ناگاه از مرکب خود فرود آمد و به سجده افتاد و آن را بسیار طول داد. وقتی سر از سجده برداشت و سوار مرکبش شد، عرض کردم: فدایت شوم! سجده های طولانی کردی! فرمود: به یاد نعمتی افتادم که خداوند به من عطا کرده است و خواستم از پروردگارم سپاسگزاری کنم». (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۹) به جا آوردن سجده برای شکرگزاری از خداوند، فعلیست که معصومین هنگامی که به یاد خداوند و نعمت های او می افتادند، غالباً انجام می دادند. مگر ایشان دائماً به یاد خدا نبودند یا اینکه در اوقات دیگر از یاد خداوند غافل می شده اند؟ چرا لازم بود ایشان برای شکرگزاری از خدا این قدر متحمل سختی شوند؟ محدوده شکرگزاری برای ایشان چه بوده است؟ روایت بعدی نیز در همین مورد است:

حضرت صادق علیه السلام در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد شکرگزاری ایشان از

خالق یکتا نقل می‌کنند که حضرت رسول ﷺ هر روز سی صد و شصت مرتبه به عدد رگ‌های بدن میگفت: «الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال». (قی، ۱۳۹۰: ج ۱: ۴۷)

سوالی که اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا معصومین نیازی داشتند که برای شکرگزاری و عبادت خداوند اینقدر به سختی بیفتند؟ مگر ایشان زهد و عصمت نداشتند؟ با توجه به روایات و شواهد مطرح شده باید چنین نتیجه بگیریم که ایشان با وجود عصمت و نهایت زهدی که داشتند، خود را بی نیاز از خداوند نمی‌دانستند و معتقد بودند که بنده باید در مقابل پروردگار خود عبدی ذلیل باشد و همواره به شکرگزاری از نعماتی که خداوند بر او عطا نموده بپردازد، در هر حالی که باشد؛ خواه در نیمه‌های شب و تنهایی باشد و خواه در اوج همهمه و شلوغی بازار. ایشان بر این عقیده بودند که شکرگزاری از خداوند، هیچ حد و مرزی ندارد و بنده باید تا جایی که در توان دارد به ستایش و قدردانی از خالقش بپردازد. اما آیا توانایی شکرگزاری برای همگان یکسان است؟

حال باید دید که این گونه شکرگزاری از عهده‌ی دیگر بندگان خدا هم بر می‌آید یا فقط خاص معصومین است؟ در این جا با چالش‌هایی رو به رو میشویم. به نظر میرسد عبادت و شکرگزاری به مدت ده سال و تا حدی که رنگ رخساره به زردی بگراید و پاها ورم کند، فقط خاص رسول خدا باشد؛ همچنین شکر گزاری هنگام بشارت جبرئیل نیز از اختصاصات نبی است. و یا سجده بر خدا و شکر نعمت‌های بیشمار او در دل بازار عملی باشد که در جامعه‌ی کنونی قابلیت اجرایی نداشته باشد چرا که طبق فرموده رسول الله ﷺ از این عمل بیم شهرت می‌رود و پوشیدن لباس شهرت نیز حرام است.

هر چند به شکرگزاری از خداوند سفارش بسیار شده است، اما برای این کار باید به سیره‌ای از معصومین التزاماً عمل کنیم که قابلیت اجرایی داشته باشد.

با بررسی روایات و توجه به مطالبی که در این چالش بیان شد، مشاهده می‌گردد که معصومین هنگام شکرگزاری از خداوند به رعایت اصول شکرگزاری توجه ویژه داشته‌اند و ۴ اصل از اصول مطرح شده در سطور بالاتر را در نظر داشته‌اند. کسب رضای خدا، دوری از محرّمات، وجوب شکرگزاری از خالق برای بنده و درک رابطه بنده با خالق هنگام شکرگزاری، اصولی هستند که نگارنده توانست آنها را با مجموع روایات طرح شده در این چالش مطابقت دهد.

## چالش مربوط به شکرگزاری ظاهری

شکرگزاری ظاهری چه سرانجامی دارد؟

شاکر بودن مراتب و درجاتی دارد، نمی‌شود انسان در زبان شاکر باشد و در عمل جز آن عمل کند، این دو رویی و نفاق از سوی معصومین مورد نکوهش قرار گرفته است. «منافق» در زمره‌ی کافران است و بهره‌ای از ایمان در قلب خود ندارد، اما نقاب مسلمانی بر چهره کشیده و خود را مسلمان جلوه می‌دهد. رفتار و گفتار منافق در همه حال تنها تظاهر و خودنمایی است؛ شکرگزاری منافقین نیز همواره همراه با تظاهر است.

امیرالمومنین علی می‌فرماید: «شُكْرُ الْمُؤْمِنِ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ، شُكْرُ الْمُنَافِقِ لَا يَتَجَاوَزُ لِسَانَهُ».

(اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۲۹۱)

حال باید دید با توجه به روایتی که در مورد شکرگزاری منافقین مطرح شد، آیا هر شکر زبانی که صورت می‌گیرد نفاق آمیز است؟ اگر چنین نیست، پس چگونه است که معصومین بر شکر زبانی تاکید داشته‌اند؟ چالشی که در اینجا با آن مواجه می‌شویم نوعی تعارض در میان کلام معصومین است. جمع بین این سخنان در جایی صورت می‌گیرد که بدانیم شکر زبانی اگر همراه با معرفت و اعتقاد قلبی باشد، شکر فرد از حیطة‌ی نفاق خارج می‌شود حتی اگر این شکر در عمل وی جاری نشود.

امام صادق: «هر که را که خداوند به او نعمتی دهد و او در دلش به نعمت آگاهی یابد و بداند که بخشنده نعمت بر او، خداست شکر نعمت گزارده و اگر چه به زبان نیاورد.» (مجلسی، بیتا: ج ۷۵: ص ۲۵۲). سپس امام صادق علیه السلام این آیه را قرائت فرمود: «و اگر آنچه در دل‌های خود دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند؛ آنگاه هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست.» (سوره بقره: آیه ۲۸۴) توجه به این روایت و روایت قبلی از امیرالمومنین علی، نشانگر این موضوع است که اگر اصول شکرگزاری که در بالا عنوان شد در هنگام شکرگزاری رعایت گردد، شکر بنده از دایره نفاق خارج گشته و این شکرگزاری مورد قبول خداوند واقع می‌گردد و اصولی که در این چالش باید رعایت گردند عبارتند از: توجه به رابطه بنده و خالق در هنگام شکرگزاری، دوری از محرّمات، صبر بر مصیبت، کسب رضای خداوند، وجوب

شکر گزاری از خالق برای بنده.

## چالش مربوط به عدم شکرگزاری

با توجه به روایت‌هایی از سوی معصومین مبنی بر به جا آوردن شکر زبانی که قبلاً به آنها اشاره شد، حال این سوال پیش می‌آید که آیا شکر زبانی به تنهایی برای قدردانی از نعمات بیشمار خالق یکتا کفایت میکند یا خیر؟ شکر زبانی منافق، که صرفاً لقلقه‌ی زبان وی و به صورت ظاهری است، آیا مقبول درگاه حق تعالی خواهد بود یا خیر؟ و مهم‌ترین سوال اینکه اگر شکر زبانی یا حتی عملی بنده‌ی منافق به صورت ظاهری باشد، آیا ممکن است موجب قهر و غضب خداوند گشته و وی را از نعمت محروم سازد؟ همچنین این امکان وجود دارد که فرد یا قومی هم باشند که از نعمت‌های بیشماری برخوردار باشند ولی نسبت به این وفور نعمت بی‌توجه بوده و شکر آن را به جای نیاورند و به اسراف و تبذیر آن پردازند و خداوند نیز هیچ عذابی بر آنها نازل نمی‌کند بلکه حتی در مواردی دیده می‌شود که روز به روز بر نعمت‌های آنان افزوده می‌گردد؛ اینجا باز هم چنین سوالی مطرح می‌شود که چرا با وجود تاکید معصومین بر ضرورت شکرگزاری خداوند، عدم شکرگزاری موجب وزر و وبال این چنین افرادی نمی‌گردد؟ برای پاسخ به این سوالات، باید مفاهیمی چون استدراج، امهال و املاء را بررسی کنیم. این مفاهیم سنت‌هایی الهی هستند که با مفهوم شکرگزاری رابطه‌ای تنگاتنگ و شبکیه وار دارند.

واژه استدراج را به نزدیک شدن تدریجی به سوی چیزی تعریف کرده‌اند. (دهخدا: ۸۱۱۲) «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ». (سوره اعراف: آیه ۱۸۲) استدراج در لغت به معنای این است که کسی در صدد برآید پله پله و به تدریج از مکانی یا مقامی بالا رود یا پایین آید و یا نسبت به آن نزدیک شود. لکن در این آیه قرینه مقام دلالت دارد بر این که منظور نزدیک شدن به هلاکت است یا در دنیا و یا در آخرت؛ و این که استدراج را مقید کرد به راهی که خود آنان نفهمند، برای این است که بفهماند این نزدیک کردن آشکارا نیست، بلکه در همان سرگرمی به تمتع از مظاهر زندگی مادی مخفی است، در نتیجه ایشان با زیاده‌روی در معصیت پیوسته به سوی هلاکت نزدیک می‌شوند، پس می‌توان گفت: استدراج تجدید نعمتی بعد از نعمت دیگری است تا بدین وسیله التذاذ به آن نعمت‌ها

ایشان را از توجه به وبال کارهایشان غافل بسازد.» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۸: ۴۵۴) خداوند متعال با این سنت و وعده تحقق آن به بندگان خواسته به آنان تذکر دهد که غرق شدن در لذات دنیوی و مادی بدون درک رابطه آنان با خدا و شکرگزاری بابت نعماتی که از آن برخوردارند، می‌تواند موجبات هلاکت آنان را فراهم نماید.

امهال و املاء مبنی بر مهلت دادن به کافران یا تأخیر در عذاب آنها، در قرآن استفاده شده است. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُؤْمَلِي لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُؤْمَلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ». (سوره آل عمران: آیه ۱۷۸)

البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند این که به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست، ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه خود بیفزایند و آنگاه عذابی خفت آور خواهند داشت. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این رابطه فرموده‌اند: «زمانی که بنده‌ای هرچه درخواست انجام دهد و خداوند نیز به او عطا کند، در حالی که آن بنده بر انجام گناه پایبند است؛ این استدراج برای آن بنده است.» (طبرسی، ۳۱۳: ۱۳۷۰)

روایتی از امام صادق موجود است که در آن می‌فرمایند: «اگر خداوند متعال به شخص یا اجتماعی نعمت‌هایی عطا نمود و آنها قدر این نعمتها را ندانسته و شکر آنها را به جا نیاورند، موجب وزر و وبال آنان می‌گردد.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۵۹)

سوالی که پیش می‌آید این است که آیا گفتار امام صادق مبنی بر عذاب و هلاکت ناسپاسان، با سنت‌های استدراج و امهال که در قرآن کریم خداوند بر آنها تاکید کرده تناقض یا تقابل دارد؟ آیا ممکن است یک معصوم گفتاری خلاف با گفتار خداوند متعال داشته باشد؟ برای پاسخ به این پرسش باید بدانیم که برخی ناسپاسی‌ها و گناهان موجب میشود که خداوند فوراً بنده را دچار عذاب و مؤاخذه کند؛ اما برخی دیگر از گناهان هستند که پروردگار در جزای آن به بنده مهلت می‌دهد تا شاید فرصتی برای جبران و توبه به بنده داده شود. عذاب امهال و استدراج یعنی مهلت دادن به ظالم و گناه کار و عذاب استیصال یعنی بدون وقفه آن را فرستادن. شبکیه‌ای بودن رابطه‌ی شکرگزاری و عذاب‌های استدراج و امهال و املاء در اینجا مشخص می‌شود که در صورتی که شکرگزاری توسط بنده انجام نشود و بنده‌ای عمداً این عمل واجب را که یکی از اصول شکرگزاری است ترک نماید، خداوند متعال با توجه به نوع ناسپاسی و گناهی که وی مرتکب شده او را به یکی از عذاب‌های

استدراج، امهال و املاء مجازات خواهد کرد. روایت زیر از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مؤید مطلب فوق است:

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «سه گناه است که کیفرشان در همین دنیا می‌رسد و به آخرت نمی‌افتد: آزدن پدر و مادر، زورگویی و ستم به مردم و ناسپاسی نسبت به خوبی‌های دیگران». (مفید، بی تا: ۲۶۳ و ۲۶۴)

ممکن است تصور شود اگر انسانی با وفور نعمات الهی روبه رو شد و بخاطر بهره مند شدن از این نعمات خدا را شاکر نبود، حتماً این نعمتها را از دست می‌دهد؛ اما گاهی خداوند متعال بر اساس سنتی که دارد نعمت را فوراً از او نمی‌گیرد بلکه به او مهلت می‌دهد که یا اصلاح شود و یا اینکه به صورت تدریجی به نابودی نزدیک شود. به عبارت دیگر امهال و استدراج برای برخی بندگان هلاکت و نابودی، و برای برخی دیگر فرصت توبه را به بار می‌آورد. راه رهایی بنده از امهال و استدراج یاد کردن نعمتهای خداوند و شکر آنهاست که باید با توجه به اصول مربوط به شکرگزاری که در سطور بالا از روایات اخذ شد، به جا آورده شود. در اینجا است که اهمیت شکرگزاری انسان مشخص می‌گردد؛ هنگامی که بنده به این معرفت دست یابد که برای هر نعمتی شکرش را به جا بیاورد، در جهت رضایت معبودش عمل کرده و خود را از نابودی و هلاکت ناشی از ناسپاسی و عصیانگری در مقابل نعمات خدا می‌رهاند و از نازل شدن عذاب‌های استدراج، امهال و املاء جلوگیری نموده و در نهایت موجب رستگاری انسان می‌شود.

چالش مربوط به حدود شکرگزاری از مخلوق

با وجود آنکه شکرگزاری امری بسیار پسندیده و تاکید شده توسط معصومین است، اما می‌بینیم که ایشان در برخی موارد شکرگزاری بیش از حد از دیگران را مذمت کرده اند. اشاره به این دسته از روایات برای روشن‌تر شدن مطلب ضروری می‌نماید:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: «اَحْتُوا فِي وَجْهِ الْمَدَّاحِينَ» به روی ستایشگران خاک بپاشید». (صدوق، بی تا: ج ۴: ۳)

مردی حضور امام هادی شرفیاب شد و در مدح و ثنای آن حضرت زیاده روی کرد. امام به وی فرمود: برخی از پی کارت برو چه آنکه زیاده روی در ثناگویی موجب بدگمانی می‌شود. سپس نصیحتش فرمود که هر وقت مورد اطمینان برادر دینی واقع شدی از تملق گویی به

حسن نیت عدول نما. (شهید اول، ۱۳۷۹ ق: ۱۱ و ۱۲)

در روایتی امیرالمؤمنین علی می‌فرماید: «چه بسا افرادی که به دلیل تعریف و تمجید مردم از آنها دچار فتنه شده‌اند». (سیدرضی، ۱۴۰۴ ق: ۵۵۶)

امام حسین نیز در همین مورد فرموده‌اند: «چه بسا افرادی که فریب تعریف‌ها و تحسین‌هایی که مردم از آنان می‌نمایند، می‌خورند». (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۸۱)

همچنین امام حسن عسکری نیز می‌فرماید: «اگر فردی دیگری را غیر از آنچه که شایسته‌ی آن است مدح و سپاس گوید، در مقام اتهام قرار خواهد گرفت». (خزعلی، ۱۴۲۶ ق: ج ۳: ۳۰۶)

با توجه به روایاتی که در بالا ذکر شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هیچ‌گاه شکرگزاری و قدردانی متعارف مورد مذمت معصومان واقع نشده است، بلکه معصومین در جایی که حس می‌کردند ممکن است این ستایش‌ها مفسده‌ای چون چاپلوسی و فتنه به وجود آورد، آن را شدیداً نهی می‌فرمودند تا جایی که بر اساس گفتار نبی اکرم ص سفارش شده که به روی چاپلوس خاک پاشیده شود.

علی بن موسی الرضا در مورد منافقین چنین می‌فرماید: «اگر کسی عیبی از عیوب ایشان را بیوشاند بقدری از او اظهار امتنان و تشکر نمایند که هرگز نسبت بخداوند ستار العیوب ننمایند». (ابن طاووس، بی تا: ۴۸) این نوع شکرگزاری دقیقاً همان چاپلوسی و تملق است که پیش‌تر به آن اشاره گردید. توجه بنده به رعایت اصول شکرگزاری، در اینجا هم تعارض به وجود آمده را حل می‌نماید. اگر فرد در هنگام شکرگزاری و قدردانی از دیگران در اجتماع، به اصول شکرگزاری یعنی کسب رضای خداوند، و جوب شکرگزاری، رابطه‌ی بنده با خالق و دوری از محرّمات توجه داشته باشد، هرگز در تشخیص حد و مرز قدردانی از بندگان خدا دچار اشتباه نمی‌گردد.

## چالش مربوط به سپاسگزاری از والدین

از میان همه صاحب نعمت‌ها، خدای متعال از خدمتی که والدین، بخصوص مادر در حق فرزند انجام می‌دهد و زحمتی که می‌کشد، یاد کرده و «شکر از والدین» را در کنار شکر

خدا آورده است. در وصیتهای حکیمانه خداوند به انسان، یکی هم همین نکته است. در قرآن کریم می خوانیم، ضمن آنکه پروردگار، انسان را وصیت و سفارش نسبت به پدر و مادر کرده و یاد اینکه مادر، او را در مدت دو سال دوران بارداری و زایمان و شیر دادن و جدا کردن از شیر، با همه سختی‌ها و ضعف‌ها او را حمل کرده است، می‌فرماید: «... اِنَّ اشْكُرَّ لِي وِ لِوَالِدَيْكَ». (سوره لقمان: آیه ۱۴) نسبت به من و پدر و مادرت شاکر باش!

امام صادق می‌فرماید: «هر شب رختخواب پدرم را آماده می‌کردم و منتظر بودم تا از مسجد بیاید. هر وقت می‌آمد و استراحت می‌کرد، من هم استراحت می‌کردم. یک شب تا دیروقت نیامد. ناگزیر به مسجد رفتم تا ببینم کجاست. زمانی بود که مسجد خالی شده بود و جز پدرم کسی آنجا نبود. صدای مناجاتش را شنیدم که سر بر سجده گذاشته بود. (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۳: ۳۲۳) امام رضا فرمودند: «مَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرْ اِلَّا اللهُ» (صدوق، ۱۳۷۳: ۵۳۳)

امام صادق می‌فرمایند: «فرزند در حق پدر و مادر سه وظیفه دارد: تشکر از ایشان در همه حال، اطاعت از ایشان در هر چه به او امر نمایند یا نهی کنند به شرطی که معصیت خدا را در بر نداشته باشد و خیرخواهی برای ایشان در نهان و عیان». (حرانی، ۱۳۶۳: ۵۸۱) حارث بن دلهاث از پدرش و او از امام رضا نقل می‌کند که فرمود: «همانا خداوند به سه چیز امر فرموده که همراه با سه چیزند: به نماز و زکات امر کرده، پس هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نماز او قبول نمیشود، به شکر خود و شکر پدر و مادر امر کرده، پس هر کس از پدر و مادرش تشکر نکند شکر خدا را به جا نیاورده است، و به تقوای الهی و صله رحم امر کرده، پس هر کس صله رحم نکند از خدا هم پروا ندارد». (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱: ۲۳۳) همچنین معصومین مقام پدر و مادر را آنچنان بالا دانسته‌اند که حتی بر تشکر و سپاسگزاری از والدین کافر و غیر شیعه و محب اهل بیت نیز تاکید نموده‌اند.

مردی به امام صادق عرض کرد: «پدر و مادر من مخالف مذهب شیعه می‌باشند، حضرت فرمود: با آنها خوشرفتاری کن، چنان که با مسلمان‌های دوست ما خوشرفتاری می‌کنی». (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۲: ۱۶۲) این روایت نیز بیانگر تاکید معصومین بر احترام و قدردانی از والدینی است که در مذهب تشیع نباشند.

روایتی دیگر از امام صادق چنین است: «نیکی به پدر و مادر بر همه واجب است؛ و اما

اگر مشرک بودند، در شرک از آنها و در معصیت، از هیچ کس اطاعت مکن. به درستی که در معصیت خالق، هیچ کسی را حق اطاعت مخلوق نیست.» (مجلسی، بی تا: ج ۷۱: ۱۰۲)

در بررسی چنین روایاتی از سوی معصومین بر سپاسگزاری از والدین کافر و فاجر و مقایسه و تطبیق آن بر جامعه کنونی به این چالش برمی‌خوریم که در این عصر به ندرت پیش می‌آید که مسلمانی پدر و مادر کافر داشته باشد؛ از طرفی دیگر رجوع به آداب و رسوم حاکم بر جامعه نشانگر این است که کافران در عصر حاضر وجهه‌ی خوبی ندارند و قدردانی و تشکر از والدین کافر نیز چندان مرسوم نیست و چنین رفتاری با مقتضیات زمانی و مکانی جامعه کنونی ما تطابق ندارد؛ با توجه به این نکات، این چالش پدید می‌آید که گفتارهای معصومین مبنی بر قدردانی و سپاسگزاری از پدر و مادر کافر با آداب و رسوم حاکم بر جامعه‌ی عصر حاضر ما به نوعی در تقابل است؛ از این جهت است که نمی‌توان این روایات را به عنوان سیره به کار ببندیم. در این چالش نیز توجه به اصول مطرح شده و عمل و رعایت آنها از بروز اشتباه در قدردانی از والدین جلوگیری می‌کند.

### چالش مربوط به سپاسگزاری از سلاطین جور و مستکبرین

با عنایت به آیه‌ی اطاعت (۱۵) در سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه ۵۹ که خداوند متعال به صراحت فرموده از ولی امر اطاعت شود، لیکن سلاطین جور و غاصبان با بی‌توجهی نسبت به این فرمان الهی، حق حکومت را از ائمه غصب نمودند؛ معصومین نیز در طول حیات طیبه‌ی خویش هرگاه که مجالی پدید می‌آمد به این موضوع معترض گشته و انزجار خود را از این غاصبان اعلام می‌نمودند. اما در این جا روایاتی ذکر می‌شود که در تعارض با این منش بوده است:

هنگامی که عبدالملک مروان به حکومت رسید، نامه‌ای مخفیانه به حجاج بن یوسف نوشت و در آن به وی دستور داد که از ریختن بنی هاشم جلوگیری نماید. امام علی بن الحسین از این نامه آگاه شدند و در نامه‌ای تشکر آمیز از عبدالملک سپاسگزاری نموده و حتی برای بقای حکومت وی دعا فرمودند. عبدالملک آن را معجزه شمرد و از علم الغیب و عظیم خرم شد که رسول گفت عمر عبدالملک بیفزود از آنچه بود. و یکی خروار دنانیر زر سرخ به خدمت امام فرستاد به بشارت تا به فقرا و عیال صرف کند. (طبری، ۱۳۷۹: ج ۲: ۶۱۴)

در اینجا نیز ذهن خواننده با چاشنی دیگر روبه رو می‌گردد؛ این که یک معصوم از یک سلطان جور تشکر و قدردانی نماید، به صورتی کاملاً آشکار در تقابل با رفتار دیگر معصومین است؛ چرا که عموم ایشان همواره با هر گونه ظلم و سستی مبارزه داشته‌اند. برای حل این چالش لازم است توجه نمود که این گونه سپاسگزاری و قدردانی از یک سلطان جور، نشان دهنده‌ی عدالت و حق شناسی معصومین علیهم السلام است که حتی در مقابل سلاطین جور نیز با وجود آنکه حق مسلم ایشان را سلب کرده بودند، تشکر می‌نمودند بخاطر کار نیکی که انجام داده بودند.

امام سجاد نیز در یکی از دعا‌های خویش، مرزبانان ثقور بنی امیه را دعا می‌نماید. این دعای طویل ایشان در حق این مرزبانان نیز چالشی را ایجاد می‌نماید که چگونه است که یک امام برخلاف منش و روش دیگر معصومین به دعا در حق سربازان و مرزبانان بنی امیه می‌پردازد؟ شرح دعا به این صورت است: «بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرزهای مسلمانان را به پیروزمندی خویش استوار گردان و مرزبانان را به نیروی خود یاری ده و از خزانه افضال خویش عطایشان به فراوانی ارزانی دار. بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و شمارشان افزون کن و سلاحشان برنده. حوزه‌هاشان حراست فرمای و پیرامونشان را نفوذ ناپذیر گردان. جمعشان متحد کن و خود به تدبیر کارهاشان پرداز. سر رشته آذوقه شان گسسته مگردان و دشواری‌ها از پیش پایشان بردار. آنان را به نصرت خویش قوت بخش و به شکیبایی مدد نمای و دفع مکر دشمن را به ایشان بیاموز. بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و به مدافعان مرزها هر چه نمشناسند بشناسان و ایشان را هر چه نهی دانند بیاموز و چشمانشان را بر هر چه نهی بینند بگشای.» (علی بن حسین، ۱۳۸۶: ۱۸۷)

در پاسخ به این چالش می‌توان چنین اظهار نظر کرد که ثقور و سرحدات جهان اسلام یعنی مرز بین سرزمینهای اسلامی و سرزمین‌های کفر؛ امام سجاد در این دعا قصد نداشته برای افزایش قدرت سلاطین جور بنی امیه دعایی کرده و یا از آنان تشکر نماید، بلکه با تدبیر در معنای ثقر، متوجه میشویم که مقصود ایشان از این دعا، دعا برای افرادی است که با جان خدا و با همه‌ی توانشان در مقابل دشمنان اسلام ایستادگی کرده و از کیان اسلام دفاع می‌نمایند. از طرفی با توجه به گسترش فتوحات اسلامی در آن زمان و توجه حضرت

سجاد به گسترش و تداوم اختیار مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، چنین دعایی را با نظر به مقتضیات مذهبی و در نظر داشتن شرایط آن عصر در حق سربازان نموده و هیچ تأکیدی بر تداوم سلطنت جابرانه‌ی بنی امیه نداشته‌اند. پس در نتیجه می‌توان اظهار داشت که تشکر از سلطان جور می‌تواند سیره معصوم باشد به شرطی که جوانب امر در نظر گرفته شود.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر که با هدف بررسی و نقد روایات چالش برانگیز مربوط به شکرگزاری در سیره معصومین انجام شد مشخص گردید که هر روایتی را به صرف موثق بودن آن نمی‌توان به عنوان سیره به کار بست؛ شکرگزاری زبانی یا عملی در برابر نعمات خداوند وظیفه‌ی هر مومنی است؛ اگر فردی در مقابل این نعمات، شکرگزاری نکرد و یا کفران نعمت نمود، بر اساس نوع نعماتی که داشته و نوع ناسپاسی‌اش، بنابر وعده‌ی خداوند بر اساس سنت‌های استدراج، امهال و املاء، دچار گردد. در شکرگزاری زبانی یا عملی از مخلوق هدف اصلی شاکر، جلب رضایت خداوند است چرا که مخلوق منعم، واسطه‌ی خیر الهی به دیگر بندگان است. در شکرگزاری زبانی یا عملی از والدین کافر و دشمن اهل بیت، با توجه به شرایط کنونی جامعه، نمی‌توان بر اساس سبک زندگی معصومین عمل کرد. قدردانی و شکرگزاری زبانی یا عملی از سلاطین جور یا به عبارتی مستکبرین زمانه، در صورتی قابل توجیه است که مصالح دین اسلام هدف اصلی شاکر باشد

# منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. آقابابایی، ناصر و همکاران، بهار ۹۱، رابطه قدردانی از خدا با عامل های شخصیت، بهزیستی و سلامت روانی، مجله روان شناسی و دین، شماره اول،
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ ش، الخصال، ترجمه و توضیحات یعقوب جعفری، تهران، اندیشه هادی
۴. ابن شعبه حزانى، حسن بن على، ۱۳۶۳ ش، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، برنامه سعادت (ترجمه کشف المحجّة لثمره المهجّة)، شهیدی گلپایگانی، محمد باقر، تهران، نشر مرتضوی
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹ ش، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء
۷. خزعلی، ۱۴۲۶ ق، موسوعة الإمام العسكري، مؤسسة ولی العصر عجلّ الله تعالی فرجه الشریف، قم،
۸. خوانساری، جمال الدین محمد، ۱۳۸۷ ش، شرح غرر الکلم و درر الکلم، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان
۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، نشر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، بی تا
۱۰. سالاروند، ابراهیم، ۱۳۹۴، نفس واسطه ای قدردانی معیار مرجع (شکرگزاری دینی) در رابطه بین قدردانی هنجار مرجع با رضایت از زندگی، مجله اسلام و پژوهش های روان شناختی، شماره سوم
۱۱. سید رضی، ۱۴۰۴ ق، نهج البلاغة، انتشارات هجرت، قم،
۱۲. شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، ۱۳۷۹ ق، الدرر الباهره من الأصفاف الطاهره، بی جا، الزائر الروضه المقدسه،
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۷۳، عیون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستفید، علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، انتشارات اسلامی، بی تا
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۸ ش، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، نشر جامعه مدرسین حنزه علمیه قم.
۱۶. طباطبایی، محمد کاظم، ۱۳۸۹ ش، آشنایی با علوم حدیث، بیجا، بی تا
۱۷. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ ق، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، مکتبه الحیدریه، چاپ دوم.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰ ش، مکارم الاخلاق، قم، نشر شریف رضی
۱۹. طبری، عماد الدین حسن بن علی، ۱۳۷۹ ش، مناقب الطاهیرین، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ

## اول

۲۰. علی بن حسین، ۱۳۸۶ش، صحیفه سجادیه، مشهد، شرکت به نشر
۲۱. قلی‌زاده، احمد، ۱۳۷۹ش، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگ‌ی نور الاصفیاء
۲۲. قمی، عباس، ۱۳۹۰ش، منتهی الآمال، تهران، نشر مبین اندیشه
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۱ق، اصول کافی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی
۲۴. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث، چاپ اول
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۲۳ق، زادالمعاد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول
۲۷. مجلسی، محمد باقر، الیقین، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۲۸. محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، محمد، میزان الحکمه، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث
۲۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
۳۰. مفید، محمد بن محمد، الامالی، ترجمه حسین استادولی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، بی تا
۳۱. علی بن حسین، ۱۳۸۶ش، صحیفه سجادیه، مشهد، شرکت به نشر
۳۲. قلی‌زاده، احمد، ۱۳۷۹ش، واژه‌شناسی اصطلاحات اصول فقه، تهران، بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگ‌ی نور الاصفیاء
۳۳. قمی، عباس، ۱۳۹۰ش، منتهی الآمال، تهران، نشر مبین اندیشه
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۱ق، اصول کافی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی
۳۵. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم والمواعظ، قم، دارالحدیث، چاپ اول
۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۲۳ق، زادالمعاد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول
۳۸. مجلسی، محمد باقر، الیقین، تهران، علمیه اسلامی، بی تا.
۳۹. محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، محمد، میزان الحکمه، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث
۴۰. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
۴۱. مفید، محمد بن محمد، الامالی، ترجمه حسین استادولی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، بی تا
42. Lopez, S.J. & Snyder, C.R. (2007). Positive Psychological Assessment, A Handbook of Models and Measures, American Psychological Association.
۴۳. Lopez, S.J. & Snyder, C.R. (۲۰۰۷). Positive Psychological Assessment, A Handbook of Models and Measures, American Psychological Association.
۴۴. Agha Babaei, Nasser et al., spring ۲۰۱۹, relationship between gratitude to God

and personality factors, well-being and mental health, Journal of Psychology and Religion, first issue.

۴۵. Ibn Babouyeh, Muhammad Bin Ali, ۱۳۸۵, Al-Khasal, translation and explanations by Yaqub Jafari, Tehran, Andiseh Hadi
۴۶. Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali, ۱۳۶۳, Tahf al-Aqool on Aal al-Rasoul, Qom, Jamia Madrasin.
۴۷. Ibn Tavus, Ali Ibn Musa, Program of Saadat (Translation of Kashef Al-Mahja for the Fruit of Al-Mahja), Shahidi Golpaygani, Mohammad Baqir, Tehran, Mortazavi Publishing
۴۸. Javadi Amoli, Abdullah, ۱۳۷۹, Tasnim, Qom, Isra Publishing Center
۴۹. Khazali, ۱۴۲۶ A.H., Imam al-Askari encyclopedia, Wali al-Asr Foundation, Farja Al-Sharif, Qom,
۵۰. Khavansari, Jamal al-Din Mohammad, ۱۳۸۷, Explanation of Gharr al-Kalam and Derr al-Kalam, Qom, Tebian Cultural and Information Institute.
۵۱. Dehkhoda, Ali Akbar, Dictionary, Tehran, published by the country's management and planning organization, B
۵۲. Salarond, Ebrahim, ۲۰۱۴, the mediating pattern of appreciation of the reference standard (religious gratitude) in the relationship between the appreciation of the reference standard and life satisfaction, Journal of Islam and Psychological Research, number three
۵۳. Seyyed Razi, ۱۴۰۴ AH, Nahj al-Balagha, Hijrat Publications, Qom.
۵۴. The first martyr, Shams al-Din Muhammad bin Makki, ۱۳۷۹ A.H., Al-Dara Al-Bahrah, Man Al-Tahira, Bija, Al-Za'ir al-Rawza al-Maqdisa,
۵۵. Sadouq, Mohammad Bin Ali Bin Babouye, ۱۳۷۳, Ayun Akhbar Al-Reza, translated by Hamidreza Mostafid, Ali Akbar Ghafari, Tehran, Sadouq Publishing.
۵۶. Sadouq, Muhammad Bin Ali Bin Baboyeh, Man Lay Hazara Al-Faqih, Islamic Publications, B
۵۷. Tabatabaei, Mohammad Hossein, ۱۳۷۸, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, translated by Mohammad Baqer Mousavi, Qom, published by Jamia Madresin Haezeh Ilmia Qom.
۵۸. Tabatabai, Mohammad Kazem, ۱۳۸۹, Acquaintance with Hadith Sciences, Bija,

Bina

۵۹. Tabarsi, Ali bin Hasan, ۱۳۸۵ AH, Mishkaat al-Anwar fi Gharar al-Akhbar, Najaf, Al-Haydariyya school, second edition.
۶۰. Tabarsi, Hassan bin Fazl, ۱۳۷۰, Makarem al-Akhlaq, Qom, Sharif Razi Publishing House
۶۱. Tabari, Emaduddin Hasan bin Ali, ۱۳۷۹, Manaqib al-Taherin, Tehran, Printing and Publishing Organization, first edition.
۶۲. Ali bin Hossein, ۱۳۸۶, Sahifeh Sajjadih, Mashhad, publishing company
۶۳. Qolizadeh, Ahmad, ۱۳۷۹, Glossary of Terms of Principles of Jurisprudence, Tehran, Noor Al-Asafia Scientific and Cultural Research Foundation.
۶۴. Qomi, Abbas, ۱۳۹۰, Mantehi al-Amal, Tehran, Mobin Andiseh publishing house
۶۵. Kilini, Muhammad bin Yaqub, ۱۴۲۱ AH, Usul Kafi, Tehran, Department of Islamic History and Education Studies
۶۶. Al-Laithi al-Wasiti, Ali bin Muhammad, ۱۳۷۶, Ayun Al-Hakam and Wal-Mo'az, Qom, Dar al-Hadith, first edition.
۶۷. Majlisi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, Bit.
۶۸. Majlisi, Mohammad Baqir, ۱۴۲۳ AH, Zadal-e-Moad, Beirut, Al-Alami Publishing House, first edition
۶۹. Majlesi, Mohammad Baqer, El-Yekin, Tehran, Islamic University, B.
۷۰. Mohammadi Ray Shahri, ۱۳۸۶, Mohammad, Mizan Al-Hikma, Qom, Dar al-Hadith Publishing and Publishing Organization
۷۱. Mostafavi, Hassan, ۱۳۶۸, al-Thaqiq, Tehran, published by the Ministry of Culture and Islamic Guidance, first edition
۷۲. Mofid, Mohammad bin Mohammad, Al-Mali, translated by Hossein Estadouli, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Bit